

آينه

ایران

پیامدهای ماندگار ترور وانتقام

● **دیاکو حسینی:** ... دونالد ترامپ امیدوار بود که با تهدید ایران به بمباران پایگاه‌های نظامی، پالایشگاه‌های نفت و حتی مراکز فرهنگی، ایران را از تلافی منصرف کند. اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد، او می‌توانست فاتح بی‌قیدوشرط عرصه باشد و مرزهای تازه‌ای را برای جسارت آمریکا در زیرپا گذاشتن خطوط قرمز ترسیم می‌کرد. ... آنها مستقل از خواست ایران حتی اگر دست به انتقام فوری نزنند، اراده خود را برای آزادادن آمریکا تا جایی که بیرون‌رفتن از عراق را عاقلانه تشخیص دهد، در پیش خواهند گرفت. به‌علاوه، همه متحدان منطقه‌ای آمریکا باید درپافته باشند که در صورت وقوع نبرد بزرگ ایران و آمریکا، این کشور نمی‌تواند از آنها به طور کامل در برابر تهاجم‌های اجتناب‌ناپذیر و البته ویرانگر ایران دفاع کند. با شهادت سردار سلیمانی، ایران به لحاظ تاکتیکی آسیب‌ی دید که در میان‌مدت قابل ترمیم است؛ اما طرف دیگر، آمریکا بعد از وحدت بیشتر میان مردم ایران، تقویت پیوندهای ایران و عراق و ثبت یک رکورد جدید در حمله به پایگاه‌های آمریکا بدون اینکه قادر به جلوگیری از آن باشد، شاهد یک ضربه استراتژیک و ماندگار به سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود است؛ ضربه‌ای که نه‌تنها به راحتی قابل ترمیم نیست؛ بلکه در سیر صعودی فشارهای سیاسی و نظامی، منزلت ایالات متحده را ضعیف‌تر از قبل می‌کند.



بدسلیقتی جامعه‌شناختی در تحلیل تشیع حاج قاسم

● **محمدصادق عبداللّهی:** فوکویاما در کتاب جدید خود با نام «هویت» که برخی آن را متأثر از سیاست‌های رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر می‌دانند، برای رفع چالش‌های هویت‌های متکثر در عصر مدرن، نظریات پیشین خود را با نظریه «هویت اعتقادی» اصلاح و تکمیل کرده است... متأسفانه این مهم از سوی بسیاری از کشوران و فعالان سیاسی و اجتماعی نادیده انگاشته شد و به جای تلاش برای بسط آن، چنان به شکاف دوقطبی ملی-اسلامی دمیده شد که روزه‌روز خودنمایی بیشتری کرد. آخرین خودنمایی این دوقطبی در قرانت‌هایی که از شهادت حاج قاسم سلیمانی و تشیع میلیون‌ا ن عزیز نوشته یا گفته می‌شود، مشهود است... گواه این مدعا را می‌توان در کث خیابان، مصاحبه‌های تلویزیونی مردم و حتی دل‌نوشته‌های متنوع شبکه‌های اجتماعی مشاهده کرد. فی‌المثل خامنی که تلاشی هم برای حفظ حجاب اسلامی به شکل کامل نداشت، در مصاحبه با تلویزیون در همان حال که همچون ابر بهار اشک از چشمانش جاری و تصویر حاج قاسم را در لباس سبز پاسداری به دست گرفته بود، او را «رستم ایران» و خود را «خون‌خواه سلیمانی» می‌خواند. ... منظور از این حرف‌ها چشم‌پوشی بر اختلافات نیست؛ گاهی می‌توان شکاف‌ها و اختلافات دو دوست و برادر را نیز کوید... در م‌شی حاج قاسم، منافع ملی جز منافع اسلام و انقلاب نیست. او پای منبر خمینی (ره) قد کشیده است و برای ارأش «تأملیات ایران» در برابر حزب بعث یا داعش با شعار «الله اکبر» سینه سپر کرد.

اعتقاد

چندگمانه‌در باره سقوط

● **هوشنگ شهبازی:** ... پیش از هر چیز باید بگویم که برای اظهارنظر درباره دلایل این سانحه، خیلی زود است و تمام اظهاراتی که در این زمینه می‌شود، در حد همان «گمانه‌زنی» و «حدسیات» خواهد بود... ایهام اول موضوع تماس گرفتن خلبان بوئینگ ۸۰۰- ۲۳۷ اوکراینی با برج مراقبت فرودگاه امام است. پاسخ روشن است. تمام پرواز ابرایان‌ها هنگام تک‌آب و Approaching با برج مراقبت فرودگاه مهرآباد تماس خود را برقرار می‌کنند. خلبان این هواپیما هم با برج مراقبت فرودگاه امام تماس داشته، سپس فرکانس پیام خود را به برج مراقبت فرودگاه مهرآباد برده است، اما به دلیل بروز نقص فنی در هواپیما، فرصت مکالمه نیافته است. ایهام دوم، احتمال تمرکزنداشتن خلبان در هنگام بروز حادثه برای موتور هواپیماست. حدسن من دراین‌باره این است که خلبان این هواپیما در این زمینه تجربه نداشته و به احتمال فراوان به صورت اشتباهی اقدام به خاموش‌کردن موتور سالم هواپیما کرده است؛ اما در نهایت چرا هواپیما در آسمان منفجر نشده و به زمین خورده است؟...

علی شالمو: فقدان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، خللی در فضای سیاسی ایران به وجود آورد که بعید است قابل جبران باشد. هاشمی شخصیتی در نظام جمهوری اسلامی بود که پس از انقلاب و تا آخرین روز حیاتش، در بالاترین مناصب حکومتی قرار داشت. عضویت در شورای انقلاب، سرپرستی وزارت کشور در دولت شورای انقلاب، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست‌جمهوری، جانشین فرمانده کل قوا، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام، نایب‌رئیس مجلس خبرگان رهبری از ابتدای تأسیس و ریاست مجلس خبرگان رهبری از جمله عناوینی است که می‌توان برای آن مرحوم برشمرد. به مناسبت سومین سالگرد درگذشت آیت‌الله گفت‌وگویی با خانواده ایشان انجام دادیم که در این گفت‌وگو، همسرش غفت مرعشی و فرزندان فاطمه، محسن، فائزه، مهدی و یاسر حضور داشتند و از فعالیت‌های گوناگون آن زنده‌یاد در مقاطع مختلف زندگی سخن گفتند.

۴ مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی چگونه تعادل و تعامل را بین سیاست و زندگی خود برقرار می‌کرد؟

فاطمه هاشمی: آقای هاشمی به این مسئله واقف و معتقد بودند یک خانواده خوب و آگاه می‌تواند افراد مؤثری را به جامعه معرفی کند که فعالیت‌های خوبی را انجام دهند. به‌جز آن، ایشان فردی احساسی و عاطفی بودند و به اطرافیان‌شان با نگاه محبت توجه داشتند. در تمام دوران زندگی‌شان این تعادل به‌هم نخورد. یادم هست زمان کودکی‌ام ایشان فراری بودند، زندان بودند یا کار داشتند؛ اما سعی می‌کردند ما را چند نوبت به مسافرت ببرند و فرزندان‌شان در کنارشان باشند. سالی دو بار مشهد می‌رفتیم. شاید بیش از ۵۰ درصد استان‌های کشور را قبل از انقلاب در دوران کودکی رفته باشیم. در مسافرت هم که با هم بودیم و پدرم خودشان رانندگی می‌کردند. در منزل هم که بودند، برای بازی با ما زمان می‌گذاشتند. حتی با هم به‌قل‌دوقل، پینگ‌پنگ و والیبال بازی می‌کردیم و تیراندازی به ما یاد می‌دادند؛ یعنی واقعا رفتاری پدرانه با ما داشتند. **محسن هاشمی:** برای پدرم اولویت اول مسائل کشور و انقلاب بود و سعی می‌کرد در کنار آن، به زندگی شخصی و خانواده نیز رسیدگی کند و از همان دوران مبارزه و آغاز مشهوری، عملا بار اصلی مسائل زندگی و خانواده بر عهده مادرم بود و آقای هاشمی با ما زندان بودند یا در حال فرار یا درگیر مسائل مبارزه، بعد از انقلاب نیز مسئولیت‌های ایشان به‌قدری زیاد بود که نمی‌توانستیم توقع داشته باشیم ایشان انقلاب، جنگ و کشور را حتی برای یک روز هم رها و خود را وقف خانواده کنند. البته بعد از پایان ریاست‌جمهوری، تا حدی بار مسئولیت‌های ایشان سبک‌تر شد؛ اما دوره‌ای بود که همه بچه‌ها ازدواج کرده بودند و برای خود زندگی مستقلی تشکیل داده بودند. یکی از روش‌های ایشان برای ایجاد تعامل بین کار و خانواده، انجام سفرهای دورمناظره کاری و خانوادگی بود؛ مثلاً در سال ۱۳۵۴ که ایشان برای ملاقات با امام خمینی، رهبران فلسطینی و لبنانی سفر کرده بود و به اروپا رفت، ما هم برای دیدن خاله‌ام که در بلژیک ساکن بود، به اروپا رفتیم و ایشان با خودروبی که تهیه کرده بود، ما را به کشورهای مختلف اروپایی برد؛ ما معمولاً در این کشورها با مبارزان دیدار می‌کرد و جلساتی می‌گذاشت تا اختلاف‌ها و مشکلات آنها را حل کند؛ بنابراین این سفر هم کاری بود هم خانوادگی.

فائزه هاشمی: بالاخره همه سیاست‌مداران همسر، پدر و برادر هم هستند. بابا هم به مسئولیت‌هایش می‌رسید و هم ارتباطات خانوادگی را داشت. البته مدیریت خانه با مادر بود. پنجشنبه و جمعه‌ها، به‌خصوص در زمانی که دیگر مسئولیت اجرایی نداشت، معمولاً خانه بود و جمعه‌ها هم بچه‌ها، نوه‌ها، دامادها و عروس‌ها جمع می‌شدند. بابا اصرار داشت جمعه نهار دورهم باشیم؛ مگر اینکه کسی سفر بود و غیبت می‌کرد.

یاسر هاشمی: اول باید مشخص کنید منظور از «زندگی»، برنامه‌های متعدد ابعاد مختلف حیات‌شان است یا زندگی شخصی؟ که بر اساس فحوای کلام باید منظورثان زندگی شخصی و خانوادگی باشد. برای پاسخ به این سؤال هم باید بگویم اگر «اعتدال» را به‌عنوان مشی و منش آیت‌الله پذیریم که پذیرفتنی و غیرقابل‌انکار است، خیلی راحت می‌توان به چگونگی برقراری «تعادل» بین زندگی

و سیاست پی برد. توضیح واضحات است که تعادل و اعتدال، هر دو از ریشه واحد «عدل» ساخته شده‌اند و برای روشن‌شدن جایگاه اعتدال در زندگی فردی و اجتماعی هر انسانی؛ جمله‌ای که خود آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سخنان‌شان زیاد به کار می‌بردند. مثال دیگری که آن هم در خاطراتش زیاد است، جمع‌شدن همه اعضای خانواده در منزل بود که معمولاً جمعه‌ها همه در منزل پدر جمع می‌شدیم و از همه چیز و حتی سیاست صحبت می‌کردیم. با اینکه مسئولیت‌های فراوان، وقت چندانی برایشان نمی‌گذاشت، هیچ‌وقت از مسائل جزئی غافل نبودند و حتما در خاطرات‌شان خوانده‌اید که به ساعات حضور من، مهدی و محسن در منزل توجه داشتند و اگر گاهی دیروقت به منزل می‌آمدیم، پرس‌وجو می‌کردند که کجا بودید و چرا دیر به منزل آمدید؟

۴ ویژگی اخلاقی خاص اخلاقی آیت‌الله هاشمی چه بود؟

فاطمه هاشمی: ایشان ویژگی‌های زیادی داشتند؛ یکی مهربانی‌شان. بالاخره بچه‌ها دوست دارند پدر مهربانی داشته باشند. دوم اهمیت‌دادن‌شان به دیگران بود. در خانواده و اطرافیان می‌دیدم که مثلاً با دخترانشان به‌خوبی رفتار نمی‌کردند؛ اما بابا برای همه حرمت قائل بود، به‌ویژه زنان و دختران. **فائزه هاشمی:** صبوری و عصبانی‌نشدنش؛ به‌ندرت عصبانی می‌شد و به‌طورکلی آرام بود. مثلاً می‌خواست به ما بگوید کاری بکنید یا نکنید یک‌بار می‌گفت و ما هم گوش می‌کردیم. البته گاهی بحث هم می‌کردیم، منطقی بود و ورزشکار، طبع شوخی داشت. علاوه بر خانواده، فامیل را هم بسیار دوست داشت و میهمان‌نواز بود. پراثری، کاری و با احساس مسئولیت بالا و دارای سعه صدر بود.

آدمی روشن و بسیار جلوتر از زمان خود بود. **یاسر هاشمی:** شاید بهترین پاسخ به این پرسش همان شعر معروف مولوی است که «بهرتر آن باشد که سَرّ دلبران / گفته آید در حدیث دیگران». اما چون ایشان یک شخصیت ملی هستند و من هم به‌عنوان شهروندی که بیشتر از دیگران با ایشان بودم و دارم به این سؤالات جواب می‌دهم، باید بگویم که بارزترین شخصیت ایشان، تفاوت‌نداشتن گفتار و رفتارشان در منزل و جامعه بود که این خود خصوصیات دیگری مانند اخلاص، پرهیز از ربا و گریزان‌بودن از دروغ را به دنبال داشت. نکته دیگر ویژگی اخلاقی ایشان، توجه عمیق به آبروی افراد بود؛ بسیار دیدم و شنیدم که یکی از اعضای خانواده در منزل، خبر یا جمله‌ای را درباره شخص یا شخصیتی مطرح می‌کرد و ایشان با طرح این سؤال که «چقدر از واقعی‌بودن این موضوع مطمئن هستی؟»، گاهی ناراحت می‌شدند که چرا آبروی یک انسان را می‌پرید؟ حتی می‌گفتند: اگر این جمله یا این خبر درست هم باشد، خوب نیست که مطرح کنید؛ چون شاید راضی نباشند. بهترین شاهد مثال این اخلاق ایشان، تذکر به فرزندان برای مراجعه‌نکردن به دفتر خاطرات‌شان بود. می‌دانید که ایشان هر شب که به منزل می‌آمدند، خاطرات آن روز را می‌نوشتند که بعضاً مربوط به شخصیت‌ها بود و نمی‌خواستند ما بدانیم چه نوشتند.

۴ آیت‌الله هاشمی از پیش از انقلاب درگیر مبارزه و زندان بودند، شرایط آن روزگار را چگونه گذراندید؟

غفت مرعشی: در اولین بازداشت سخت ایشان که در سال ۱۳۴۳ اتفاق افتاد، من سه فرزند کوچک و

سیاست

گفت‌وگو با خانواده آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سومین سالگرد آن مرحوم

مصائب جای خالی پدر



عکس

سهراب تاجی، شرق

با فاصله یک سال داشتیم؛ فاطمه چهار ساله بود، محسن سه ساله و فائزه دو ساله. مدت‌ها ما از ایشان خبر نداشتیم و برای آشبخ اکبر خطر اعدام وجود داشت. از طرف دیگر فاطمه دچار بیماری فلج اطفال شده بود و به انگشت پایش زده بود، محسن هم به پدرش خیلی وابسته بود و از دوری ایشان رنجور و ضعیف شده بود. تا اینکه بالاخره گفتند که آشیخ اکبر در بازداشت ساواک است و به ما وقت ملاقات دادند. وقتی ایشان برای ملاقات آمد، دیدیم پایش را زیر شکنجه شکسته بودند و نمی‌توانست روی پایش بایستد. محسن که پدرش را دید به بغل آشیخ اکبر رفته بود و بعد از چند دقیقه گفتند وقت تمام است، هر کاری کردیم از پدرش جدا نمی‌شد و با صدای بلند گریه می‌کرد و وضعیت این بچه طوری بود که از گریه او مأموران زندان هم گریه می‌کردند. در همین دوره وقتی که حکم دستگیری آقای هاشمی و آقای خامنه‌ای صادر شده بود و برای اینکه دستگیر نشوند، از قم خارج شدند، خانواده آقای خامنه‌ای ابتدا همراه‌شان نبودند و ایشان در طبقه بالای منزل ما ساکن بودند و به‌خاطر زخم معده‌ای که داشتند مجبور بودند هر چند ساعت، کمی غذا بخورند و برای همین شب‌ها غذا نیمه‌شب ایشان را هم می‌دادم که دچار مشکل معده نشوند. **فاطمه هاشمی:** ما با دوستان پدرم و خانواده‌شان مسافرت می‌رفتیم و رفتارشان با ما داخل دفتر مقایسه می‌کردم. گاهی هم افراد مذهبی و روشنفکر نبودند. به ما می‌گفتند خوش‌به‌حالت چه بابای خوبی داری، چون بابا با آن بچه‌ها هم رفتاری مثل ما داشتند. یکی از این بچه‌ها (که نام نمی‌برم) می‌گفت یک روز پدرت به منزل ما آمده بود و به پدرم گفتند ما بچه‌ها را می‌برم بیرون که گشتی بزنیم. ما را سوار ماشین کردند و برایمان بستنی خریدند. ایشان مهربانی‌شان طوری بود که اطرافیان واقعا متوجه می‌شدند.

در خانه هم هرکس می‌آمد، هرچه می‌خواست من را صدا می‌کرد می‌گفت فاطمه فردا برای ایشان تهیه کن و بفرست. اگر کسی کمکی می‌خواست من به من می‌گفت فاطی فردا یادم بنذاز که این کار را انجام بدهم. آدمی بود که سعی و تلاش می‌کرد و می‌گفت انسان باید دنبال خلق ثروت باشد و از این ثروت به دیگران کمک کند. به این نکته تأکید داشت، هیچ‌گاه وابستگی به دنیا و مادیاتش نداشت. اگر زندگی مرهقی برای خودشان ایجاد می‌کردند، فقط برای خودشان خوب و شیرینی برابرم بود و خوش انقلاب در قم داشتند. ولی ۹۰ درصد زمین‌ها را بین نیازمندان و طلاب به رایگان توزیع کردند.

فائزه هاشمی: زمانی که انقلاب شد ۱۶ساله بودم، قبل از انقلاب و در آخرین مرتبه زندان بابا، سه سال بود که به زندان اوین برای ملاقات می‌رفتیم. روزهای ملاقات روزهای خوب و شیرینی برابرم بود و خوش می‌گذشت. خاطره‌ای که از ملاقات با او دوست داشتم، جیب‌های پر از نخودچی کشمش و خوراکی او بود. زندان اوین، زندان قزل‌قلعه، زندان قصر، همه زندان‌ها را در دوره‌های مختلف برای ملاقات رفته‌ام و البته بعد از انقلاب نیز آنها برای دیدن من و مهدی به زندان اوین می‌آمدند. این‌ها اگر دست از سر ما بر نمی‌دارد، اگر خانه بود، برای بچه‌ها، خوب وقت می‌گذاشت؛ با بابا سفر زیاد می‌رفتیم، عمدتاً داخل و گاهی خارج از کشور. هر کدام از اینها دنبایی خاطره دارد. با ما والیبال و پینگ‌پنگ و ورزش‌های دیگر را بازی می‌کردند.

۴ از دغدغه مرحوم هاشمی درباره آینده ایران چه بود؟

فاطمه هاشمی: نگرانی‌هایشان در مورد کشور زیاد بود. اگر سخنرانی‌های سال ۹۰ و ۸۸ را ببینید، متوجه می‌شوید، چون هر روز مشکلات بیشتر می‌شد دیگر صحبت‌هایشان تند شده بود. در مجمع عمومی و در سخنرانی‌هایشان شرکت می‌کردند؛ اما نباید پیاده شویم. ایشان پیاده می‌شدند و با مردم گفت‌وگو می‌کردند. مثلاً به جادر بختیارِی‌ها می‌رفتند و با آنها گفت‌وگو می‌کردند که از اوضاع مملکت راضی هستید؟ مشکلاتان چیست. دوست داشتند از زبان مردم مشکلات را بفهمند. کمتر مسئولی است که این مسائل را دنبال کند و مشکلات را از زبان مردم بشنود. در تمام سفرهای استانی‌شان با مردم صحبت می‌کردند. یادم است در مسیر شمال که می‌رفتیم پیاده می‌شدند و قدم‌زنان با مردم صحبت می‌کردند.

یاسر هاشمی: خاطراتم بیشتر مربوط به جدیت ایشان در رسیدگی به کارهای مربوط به خودشان بود که کارتابل‌هایی را با خود به منزل می‌آوردند

و حتی به یاد دارم در چند ماه رمضان، بعد از افطار یا بعد از سحر مشغول مطالعه گزارش‌ها می‌شدند و بعدها در مصاحبه‌ای از ایشان خواندم که وقتی خبرنگاری از ایشان پرسیدند: «در لایالی قدر معمولاً کدام عبادت را بیشتر انجام می‌دهید؟»، گفته بودند: بهترین عبادت من رسیدگی به کارهای مردم در حوزه‌های مسئولیت‌های من است که مطمئنم هم خدا و هم خلق خدا راضی به انجام آن عبادات هستند.

۴ مرحوم هاشمی سال‌های سال امامت جمعه تهران را برعهده داشتند و نمازجمعه‌های ایشان معروف است. شما نیز در نمازجمعه‌های ایشان شرکت می‌کردید؟ آیا خانواده در نمازجمعه آخر مرحوم هاشمی در سال ۸۸ حضور داشت؟

فاطمه هاشمی: سال‌های اول انقلاب خیلی در نمازجمعه شرکت می‌کردم چون فرزندی نداشتم و معتقد بودم باید در همه نمازجمعه‌ها شرکت کنم. بعد که بچه‌دار شدم، این کار برام سخت بود چون زمانی که فرزندم را می‌بردم خسته می‌شد و کمتر می‌رفتم. اما فرق ایشان با ائمه جمعه دیگر این بود که محوری را برای صحبت انتخاب می‌کرد. طبعه اول به مسائل روز اختصاص داشت و در خطبه دوم همیشه در مورد یک موضوع جلو می‌رفتند. به نظر می‌رسید ایشان در نمازجمعه اسلام واقعی را به مردم معرفی می‌کردند و اینکه ما می‌خواهیم در ایران حکومت اسلامی درست را برقرار کنیم و همه را با مردم در میان می‌گذاشتند. اگر در مورد عدالت اجتماعی، رفاه و جنگ صحبت می‌کردند، همه را براساس اصول اسلامی، خاص مردم و حکومت مردم می‌دیدند و دانما توضیح می‌دادند که مردم متوجه شوند چه می‌گذرد چون همیشه اعتقاد داشتند ما با مردم انقلاب کردیم، با مردم جنگ را جلو بردیم، با مردم سازندگی کشور را ادامه دادیم و همیشه باید با مردم باشیم. اگر با مردم نباشیم، حکومتان نخواهد ماند. واقعا همه در این زمینه اهل شعار بودند و همیشه می‌گفتند اگر مردم چیزی را خواستند باید انجام دهیم و اگر نخواستند انجام ندهیم. ما نمی‌توانیم چیزی را به مردم تحمیل کنیم.

فائزه هاشمی: آخرین نمازجمعه را همه رفتیم. البته ما با بابا داخل محوطه اصلی رنتم و در خیابان قدس نشستیم، اما بقیه با بابا داخل رفتند. مردم شعار می‌دادند «هاشمی، هاشمی، سکوت کنی خانی»، نگران بودم که بابا چه خواهد گفت، زنگ زدم به مهدی که گوش کند. گفتیم شاید داخل محوطه این شعار را نشنوند، گفتم به بابا قبل از اینکه خطبه‌ها را شروع کند بگو تا بداند مردم چه انتظاری دارند و چه می‌خواهند و بابا هم واقعا سنگ تمام گذاشت.

مهدی هاشمی: در سال ۱۳۸۸ هم در آخرین نمازجمعه ایشان حضور داشتیم، فضای خاصی بود و همه مردم از قشرها، سلیقه‌ها و نگاه‌های مختلف آمده بودند و کنار هم حضور داشتند. پدر در این نمازجمعه حرف‌هایی بسیار مهم و مبنایی زد و در سال‌های بعد که برخی اصرار می‌کردند ایشان باز هم به نمازجمعه برگردد می‌گفتند من حرف‌هایم را زدم، باید به آنها عمل شود. نمی‌خواستند با حضور در نمازجمعه، فضا برای افراتوین فراهم شود که کشور را دچار التهاب کنند.

یاسر هاشمی: بله، بومد و به‌عنوان یک ایرانی که اوضاع آن روزها برای همه نگران‌کننده بود، دقیقاً گوش دادم و حتی بعدها به کرات متن آن دو خطبه را خواندم و به یاد دارم که خطبه اول را این‌گونه شروع کرده بودند: «قبل از اینکه بحث‌های خطبه نمازجمعه را آغاز کنم؛ لازم می‌دانم به نمازگزارانی که امروز در دانشگاه تهران و اطراف دانشگاه‌ها در خیابان‌ها حضور دارند، یک تذکر اساسی بدهم و آن اینکه مواظب باشید جایگاه نمازجمعه و قداست نمازجمعه با اظهارات و شعارهایی که جنبه عمومی و اصولی ندارد؛ آلوده نشود. این جایگاه مقدس سرمایه عظیم همه دوران تاریخ اسلام بوده و امروز در کشور ما جزء بهترین میدان‌های حضور فضایل اسلامی و انسانی است». بعد یاد آیت‌الله طالقانی را گرامی داشتند و گفتند: «نمازجمعه امروز بی‌شباهت به نمازهای جمعه‌ای که در هفته‌های اول انقلاب شروع شد، نیست که آیت‌الله طالقانی اقامه نماز می‌کردند و جمع زیادی از همه سلیقه‌ها در آن نمازها شرکت می‌کردند».

۴ دغدغه مرحوم هاشمی درباره آینده ایران چه بود؟

فاطمه هاشمی: نگرانی‌هایشان در مورد کشور زیاد بود. اگر سخنرانی‌های سال ۹۰ و ۸۸ را ببینید، متوجه می‌شوید، چون هر روز مشکلات بیشتر می‌شد دیگر صحبت‌هایشان تند شده بود. در مجمع عمومی و در سخنرانی‌هایشان شرکت می‌کردند؛ اما نباید پیاده شویم. ایشان پیاده می‌شدند و با مردم گفت‌وگو می‌کردند. مثلاً به جادر بختیارِی‌ها می‌رفتند و با آنها گفت‌وگو می‌کردند که از اوضاع مملکت راضی هستید؟ مشکلاتان چیست. دوست داشتند از زبان مردم مشکلات را بفهمند. کمتر مسئولی است که این مسائل را دنبال کند و مشکلات را از زبان مردم بشنود. در تمام سفرهای استانی‌شان با مردم صحبت می‌کردند. یادم است در مسیر شمال که می‌رفتیم پیاده می‌شدند و قدم‌زنان با مردم صحبت می‌کردند.

یاسر هاشمی: خاطراتم بیشتر مربوط به جدیت ایشان در رسیدگی به کارهای مربوط به خودشان بود که کارتابل‌هایی را با خود به منزل می‌آوردند

روزنه

تبلیغات زودهنگام اصولگرایان برای انتخابات حدادعادل از صنعتگران خواست به لیست ائتلاف رأی دهند

● **شرق:** در شرایطی که این روزها همه اخبار تحت‌الشعاع رخدادهای دیپلماسی و حوزه سیاست خارجی از شهادت سردار سلیمانی تا حمله به پایگاه‌های آمریکا در عراق و بالاخره سقوط هواپیمای مسافربری و واکنش‌های جهانی به آن قرار گرفته و ظاهراً اخبار حوزه سیاست داخلی کم‌رنگ شده اما یک جریان در ایران آرام آرام فعالیت‌های خودش را به پیش می‌برد و از یاد نبرده که قرار است در انتخابات اسفند ماه حداکثر کرسی‌های مجلس را از آن خود کند. لیست خود را نهایی کرده‌اند و با اصناف و گروه‌های مختلف هم جلسه برگزار می‌کنند. اصولگرایان در خواب مجلس هفتم تبلیغات زودهنگام را آغاز کرده‌اند. تا جایی که غلامعلی حدادعادل رئیس شورای ائتلاف اصولگرایان با نام «نیروهای انقلاب» در جلسه هم‌اندیشی صنعتگران استان تهران، از اهمیت تشکیل مجلسی با شاخص‌های کارآمدی و مسلط به وضعیت اقتصادی کشور، سخن گفته و اعلام کرده که دولت تابع مجلس است و قطعاً تشکیل مجلس خوب می‌تواند دولت خوبی را ایجاد کند. او که از هم‌اکنون لایه برای رای‌گیری را شروع کرده گفته است: «فرستاند یک فرد به مجلس در اختیار من و شما نیست و مردم باید به افراد رای بدهند». او خطاب به صنعتگران گفت: اگر دیدید فهرستی که در شورای ائتلاف نهایی شد، به درد کشور می‌خورد شما نیز وارد شده و به لیست رأی دهید.

حدادعادل در ادامه به تبیین و تبلیغ رویکرد شورای ائتلاف اصولگرایان در زمینه اقتصاد پرداخته و وعده‌هایی برای بهبود اوضاع داده است. او گفته: «ما در شورای ائتلاف سعی داریم به مسئله اقتصاد بیشترین اهمیت را بدهیم و قصد داریم یک تیم اقتصادی عالم، واقع‌بین و پاک وارد مجلس کنیم. باید کسانی در مجلس باشند که صنعت را بشناسند و در واقع راهروهای مجلس محل تردد صنعتگران و تولیدکنندگان باشد». رئیس شورای ائتلاف نیروهای انقلاب با تأکید بر اینکه تلاش می‌کنیم کسانی به مجلس ورود کنند که حرف مجلسی بهتر برای یک دولت بهتر و صنعت بهتر داشته باشیم.

محسن پیرهادی سخنگوی شورای ائتلاف اصولگرایان هم گفته بود که جمعه بیستم دی ماه با نظارت برخی از اعضای شورای ائتلاف و کمیته‌های زیرمجموعه آن و همکاری یک مؤسسه علمی، مصاحبه کاندیداهای پیشنهادی به شورای ائتلاف تمام می‌شود. او در ادامه اضافه کرده در این فرایند، شایستگی‌های عمومی شامل استقلال‌طلبی و آزاداندیشی، امید به آینده، اعتماد به توان داخل کشور، پایبندی، اعتقاد و التزام به ارزش‌های اسلام و انقلاب، رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای و فضائل اخلاقی و درمی‌ی بودن، ساده‌زیستی، روحیه خدمت به مردم، شایستگی‌های تخصصی شامل توان و قدرت پژوهش، تحلیل، اظهار نظر، دانش و مهارت قانون‌گذاری و خشم‌خشی، وحدت‌گرایی و کار تیمی، آگاهی و دانش تخصصی و آگاهی و بصیرت سیاسی و اجتماعی ارزایی می‌شود. به گفته سخنگوی شورای ائتلاف اصولگرایان از ۳۳۲ کاندیدای پیشنهادی حزبی، تشکل‌ها، افراد مؤثر و معتمد در آخرین بررس، اعضای (کاندیداننده) شورای ائتلاف در قالب تطبیق و بررسی با شاخص‌های مختلف برای نمایندگی و مصاحبه حضوری ۱۲۰ نفر برای رسیدن به مرحله بررسی و نظرخواهی به مجمع تهران معرفی خواهند شد تا مجمع چندهزارنفری تهران پس از بررسی رزومه‌ها و صلاحیت‌های فردی و حرفه‌ای افراد به ۲۰ نفر برسد.

برای اصولگرایان خوب نیست که چهار سال بعد از رأی میلیونی چهره‌های اصلاح‌طلب یا اعتدالی از تهران، با آرای چندصد هزار تایی از پایتخت وارد پارلمان شوند. برای همین به سید رای آلی طیف خاکستری هم چشم دوخته‌اند، طیفی که پایگاه سیاسی- اجتماعی وسیع‌ای دارد و ممکن است یک بار به اصولگرا، یک بار به اصلاح‌طلب و یک بار هم به اعتدالیون رأی دهد و شاید زمانی تصمیم بگیرد که اصلاً رأی ندهد. این طیف خاکستری که حدادعادل، مسئول تشکیلات وحدت اصولگرایی، تا‌به‌حال چندین‌بار در درباره آنها صحبت کرده، اگرچه ممکن است به چهره‌های شناخته‌شده یا تند اصولگرا رأی ندهد، اما درصورتی که رد یا خط ماجرا را کم کند، محتمل است به بدیل آنها رأی دهد. حداد گفته بود باید گفتمایی مدون طرح و عرضه کنیم که طیف‌های خاکستری جامعه هم به آن گرایش پیدا کنند. برای راضی‌کردن این طیف خاکستری یکی از شیوه‌ها گفت‌وگو با طیف‌های مختلف است. اصولگرایان در قدم نخست سراغ فعالان اقتصادی رفته‌اند تا با وعده‌های چنان و چنین و تحول در اوضاع اقصادی آنها را راضی به رأی‌دادن به فهرست خود کنند!